





# در جستجوی نان

کوشش غیر مکتبی سیاسی ما

## نمایش فیلمهای متفقین

### در سینما ایران

بکته بیرونی در جنبش  
دو هفته از طرف راسته های مظلومی  
دولت ایران در هر شوروی و انگلستان  
بود معجون ساعت هفت مد از ظهر  
برای نخست فیلمهای متفقین حضور  
یافته

فست اول فیلم عظمت بیرونی  
در ایام انگلستان و هلندت هوا بیست  
هوا و سب انگلیسهای بیچاره موجوده آن  
کشور را نشان میدهد و هوا بردنایی  
که برای آن نشان کرده بودند پس  
از مراجعت گزارش عذبات خود را  
مستندت عذرت و عظمت بیرونی برایشان  
انگلیستان - بیوت میرسانه که بیرونی  
برای هنگام نصف دست کسی از بیرونی  
هوای بخارده مخصوص موقع روزهای  
دریای و صحنه بیرونی برنابیا جزیره  
و آلوده در کشور برود و فرقی کنشی  
بزرگوار بر روی و ریحان خود و زاننده  
میکنند عظمت ششپای بیرونی و صومع  
شاید بیرونی غمی و بیکی هوا بیچاره  
انگلیستان است و میباید که بیرونی  
برای بیرونی برنابیا عذبت برای  
مژده آمده است

شهرهای آمریکا را نشان میدهد که  
مردم آن را که بیچاره بودند روشنائی  
مشارکت و ایستادگی جلوه گویای آن  
مشارکت هوای بیرونی در امور ایرانی  
عظمت بیرونی که دولت آمریکا در دست دارد  
ساعت هفت مینویسند چنانچه خود  
که امریکا آمده مژده بیرونی  
بیرونی میباشند و در امریکا و انگلیس  
دولت امریکا از این مینویسند مدارک  
سالمی و بیرونی در امور ایرانی  
بندست از اینها احیاء گرفته و این  
خود حین جنگی دول مجبوراً بیوت  
میرساند

فست سوم بهترین بخش فیلمهای  
که در آنش نمایش داده شده که  
اطراف مسکو و دفاع ارتش سرخ  
در نزدیکی مسکو و صرف سایر شهر  
های صاعقه شوروی بود که دشمن را  
از خاک خود بیرون بیاورد

که سازمان بیرونی مطبق راه و روش  
آقای خرچنگ در دست گرفته و اورا بیوت  
فرار داده که سونوگک در بین راه  
روی او سوار و زیرا و بعدا اگر همه  
اربابان از آقای خرچنگ بیرونی  
میکردند بین هر دو انگلستان میشد  
مگر در مصود امین از زندگی سان  
در آوردن و تومیل و املاک و خانه  
خرید و بیروت و مدینه و در دست اطفال  
از اوامر اولی گرفته است

فرمان میان صاعق دوراً اطاعت  
شد و بعد از آن کشور باستانی که  
هریک از همی آقای خرچنگ شهادت  
داشتند و بعضی از این فوج باستانی  
در خفا دست او را هم از پشت می  
سند و سوسجوش اقلید و سازمانی  
برای تقیم این کشور صاعقه و سونوگک  
مبین دوست گرفته و آقای خرچنگ را  
که در آن بی حد کمال رسیده بود  
الکوفه فرار داده و سحرهای بیروت کرده  
سایبانه و تصایح فرا گرفته  
کتابی را هم به « بیرونی زدگی »  
و شند

و برای انکار یولها گرفته  
شاید با چوب کرده سینه زنده گشتی  
ها کرده چشم زهرها از مردم گرفته

آقای خرچنگ ابتدا از مال دنیا  
بیک حسرت خرابیده و یک مملوقی  
و دو آرزوی محکم داشت -  
گوشانود و فرزند دوست ماز لوی  
نوری است - فد و ما و حکم دارک  
دارد - درازی بخش از پیکهای متولای  
که خندان میرسد معلوم میشود - از  
جست و جوی سفت از هر کس نیست  
بوده بطوری که در مقام مقایسه سنگ  
بای فریب پیچاندر از عذبات سرخ  
میشود - با این مزایا از برای دوست  
نوعی خارود جز آنکه یک فتنه بین  
خلال در پیورده و بنا اعل و عیالش  
نتواند کند

پدر آقای خرچنگ آخوند بود  
اما چون در دوره صاوت او هنر مد  
شده بود - صفت شهبازی حسد در او بود  
آخوند باقی در پیورده و خودش از همان  
مغز سب هراست دروغ است که از ملای  
بان در سیاه و طبع اینه زمان پیش  
از همه چیز با فلکی مایل است - چون  
آقای خرچنگ هراست سان پیورده  
در همان کسوت اعل هلم متعادت  
مضرب صبی ایرانیان از امرای اخبار  
کرد و با اغلب شهباز برای اسباب  
خاطر حاضران چهار شهبازی میرسد  
الطوفانی وسیله فتح روشن میداد و در  
آن حال چهار دست و پا بود اطفال راه  
میرفت اما چون هیچ هنری بر خیر  
نسانه مشقات آقای خرچنگ همه پیورده  
ساند - کم کم گوش شهرتش گوش  
خانهای اطراف رسیده و پس از چندی  
بعضی مردم شبح خزل را درک  
کرد - آجا چند نفر دیگر هم از زمین  
لیبل برود داد و روز بروز تفرشش  
پیشتر شد

پس از آنکه بساط شبح  
شد آقای خرچنگ بهر آن آمد و چون  
شهرت هنرهای او پیش از خودش  
بهران رسیده بود در وقت نشد که در  
حاشیه مجلس یکی از اعیان شهر هنر  
سالی که - هر چه در چینه داشت روی  
دایره ریخت و مفلوط طبع مردم صاحب  
نظر واقع شد

در مصطفی که راه یافته بود و شاعر  
بیرونی خود را داشت که تشریح در علوم  
فریه و ادبیه مورد تصدیق همه طالب  
و جوجه شعرا بود و علاوه سبک  
خانی در معارف و ایستاد شمر میگفت  
جوجه میخواند و مفلوط طبع مردم صاحب  
نظر واقع شد

در مصطفی که راه یافته بود و شاعر  
بیرونی خود را داشت که تشریح در علوم  
فریه و ادبیه مورد تصدیق همه طالب  
و جوجه شعرا بود و علاوه سبک  
خانی در معارف و ایستاد شمر میگفت  
جوجه میخواند و مفلوط طبع مردم صاحب  
نظر واقع شد

آقای خرچنگ که صدایش از همه  
قلندر بود و از همه بیشتر نام خود را  
ماده داشت از اعیان و ارباب - چون  
سلفه باستانی خوبان داشت اشعار  
پر برود از او بر کرد چنان محکم و با  
متفحص و موهبانه و فایده ها را از حلق  
ادا میکرد که چیرا جاع برود در میانه  
و کماله ان از سر ابق بر میگفتند -  
در نواصل هر مصرع هم با نهایت شکسته  
نظمی ایستاد مینویسند که نوحست  
شود و گن را کم کند  
البته واری شن کار آسانی نیست  
اگر این لیل مردان در دست آهنگ نباشد  
ادامر شاعران بزرگ را که صدای حیات  
دارند که بخواند و ترویج کند - آقای  
خرچنگ این کار را برای این نام خود را  
مناسب تر از دافکی دایه دوره افتاد  
و با صدای جگر خراشش هر شعر خواند  
و بعدا در خانه که چند پرده صاعق را  
را آورد کرد - خوب چه خاکسب سرش  
بشد - آقای خرچنگ هم میخواستن  
حضور  
در این میان زود و ایستاد اولی



موانع آبی در دو وظیفه مهم دارند آنها با شمشیر در خشک وهم در دریا آزمونده  
برای پیکار باشند  
در تصویر بالا موانع آبی که همی با شمشیر صفا میکنند

میکویم و میگویم که هر چه  
اگر کسی از راه غرض و با کینه  
حسد و با زهره جانی غیر از کینه  
که این رفته غلبه صفا میگویم  
فایه برداری است زهی و اطفالی  
هرس چنان تصور اطفال گشود  
که مردان از صفا و کینه و اطفالی  
عظمتی را برای دفع آرز و اطفالی آرز  
شد و روز با شمشیر و غیر  
میرساند شمشیر و اطفالی  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

از این موانع سیاسی جنگهای  
سال ۱۹۱۴ که بعد از درازمان خارجی  
روسیه صفا بود و بعد از اطفالی  
وای این بود که فتنه خارجی دراز  
خاک خود بیوت کرده  
اعتماد این فتنه از جانی که  
سازد راه فتنه این است که یک  
مشقت و فتنه مطلق دیگری که جنگ  
روز و غورهای شوروی با اطفالی  
بفوج بیوته شان میباید

در این موانع سیاسی جنگهای  
سال ۱۹۱۴ که بعد از درازمان خارجی  
روسیه صفا بود و بعد از اطفالی  
وای این بود که فتنه خارجی دراز  
خاک خود بیوت کرده  
اعتماد این فتنه از جانی که  
سازد راه فتنه این است که یک  
مشقت و فتنه مطلق دیگری که جنگ  
روز و غورهای شوروی با اطفالی  
بفوج بیوته شان میباید

بکینه از بیرونی بیوتی است  
روز عتاد صفا خود بیوتی  
مده های دیگری برای اطفالی  
هر روز بیوتی  
کشن و اطفالی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
کشن و اطفالی  
آش برده و دست و پا در اطفالی  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

بکینه از بیرونی بیوتی است  
روز عتاد صفا خود بیوتی  
مده های دیگری برای اطفالی  
هر روز بیوتی  
کشن و اطفالی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
کشن و اطفالی  
آش برده و دست و پا در اطفالی  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

بکینه از بیرونی بیوتی است  
روز عتاد صفا خود بیوتی  
مده های دیگری برای اطفالی  
هر روز بیوتی  
کشن و اطفالی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
مورد اطفالی میباید که سر راه جنگی  
کشن و اطفالی  
آش برده و دست و پا در اطفالی  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

این رفته صفا یک سلفه است  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

این رفته صفا یک سلفه است  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

این رفته صفا یک سلفه است  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

در داخله و خارج صفا هر چه  
است - دیگر صفا خود را کرد  
براه های صفا و اطفالی  
ایشان رسد درین بود ظن میکنند  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

در داخله و خارج صفا هر چه  
است - دیگر صفا خود را کرد  
براه های صفا و اطفالی  
ایشان رسد درین بود ظن میکنند  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

در داخله و خارج صفا هر چه  
است - دیگر صفا خود را کرد  
براه های صفا و اطفالی  
ایشان رسد درین بود ظن میکنند  
و اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

صفا میگویم که مطاری که عودش  
بالتی هر چه صفا هر گشتی بیوت کرده  
بود از بیرونی بیوتی  
که پس بر اطفالی روز بیوت و جان  
عظمتی صفا میباید که سر راه جنگی  
که اطفالی که از راه صفا میگویم

